

آموزش زبان خارجی به کودکان:

شرایط و امکانات

نازنین خاوری

مدرس دانشگاه جرج واشنگتن

Email: nazkhavari@email.gwu.edu

اشاره

آموزش زبان خارجی در کشور ما در دوره متوسطه آغاز می‌شود. در عین حال مدرسان زبان خارجی در مواردی با سؤال والدین در مورد سن مناسب یادگیری زبان خارجی روبه‌رو می‌شوند. این مقاله که با اتخاذ دیدگاه رایج در خصوص آموزش زبان خارجی به‌ویژه زبان فرانسه به کودکان می‌پردازد با مطرح کردن نوع محتوا و روش مناسب آموزش زبان خارجی به کودکان نشان می‌دهد که در این فرایند، پیچیدگی‌های زیادی وجود دارد. بنابراین لازم است در آموزش زبان خارجی به کودکان علاوه بر مسائل فرهنگی به این پیچیدگی‌ها نیز توجه شود. به عبارت دیگر لازم است در شروع زبان‌آموزی در دوره‌های دبستان و پیش‌دبستان با دقت و درایت عمل شود.

چکیده

آنچه در این مقاله مدنظر ماست آموزش زبان خارجی به کودکان است؛ ضرورت این آموزش، چگونگی و نحوه این کار به‌طور کلی، و به‌ویژه آموزش زبان فرانسه است. نخست به آنچه که در آموزش زبان خارجی باعث تقویت قدرت شناختی کودک و ایجاد انگیزه در او می‌شود خواهیم پرداخت و سپس محتوای مناسب برای دوره‌های پیش‌دبستانی و دبستانی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد تا معلوم کنیم که کدام فعالیت‌های آموزشی را و با چه راهبردی باید در آموزش زبان خارجی به کودکان به‌کار برد تا مانع امتناع آن‌ها از یادگیری زبان خارجی باشد و باعث گردد که کودک در کنار زبان مادری خود به تعامل با یک زبان خارجی نیز علاقه‌مند شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان، کودکان، قدرت شناختی، شکوفایی انگیزه، بازی‌های آموزشی، تعامل

Résumé

Enseigner une langue étrangère aux enfants : pourquoi ? A quel âge ? Comment ?

La nécessité de l'enseignement d'une langue étrangère à l'école primaire est l'objectif de notre étude dans cet article. Mais comment faut-il enseigner une langue étrangère à un public d'enfants, en général, et quelles sont les stratégies dans l'enseignement/apprentissage du FLE aux enfants, en particulier ? Ce sont les questions auxquelles nous avons essayé de répondre dans cette étude. Tout d'abord nous allons nous focaliser sur les principales composantes de l'enseignement d'une langue étrangère y compris le FLE, celles qui peuvent contribuer à la réalisation d'un enseignement réussi des langues, un enseignement qui arrive à accomplir les deux principaux buts de l'éducation : le développement cognitif de l'enfant-apprenant une langue étrangère et l'épanouissement affectif de cet enfant vis-à-vis de la langue cible. Ensuite nous allons parler des activités qui puissent intéresser un public d'enfants dans l'enseignement/apprentissage de la langue étrangère et qui sont adéquates à l'âge de l'enfant-apprenant. Nous avons essayé de montrer comment et par quelles méthodes faut-il intégrer les apprenants du niveau primaire à l'apprentissage d'une langue étrangère sans qu'ils soient découragés et tout en leur apprenant d'aimer à communiquer, parallèlement à leur langue, dans une langue autre que la leur.

Mots clés: langue étrangère, public d'enfants, le développement cognitif, l'épanouissement affectif-méthodes, pratiques

مقدمه

در تحقیقاتی که سینگلتن و جانستن به عمل آوردند به این نتیجه رسیدند که آموزش زود هنگام زبان ممکن است تأثیرات منفی نیز روی زبان آموز داشته باشد. ریچاد جانستن در کتابش تحت عنوان «درباره عوامل سنی جهت آموزش زبان» بر این مسئله تأکید دارد که گرچه آموزش زبان از سنین کودکی با سهولت بیشتری انجام می پذیرد ولی ذهن کودک فاقد آن قدرت تجزیه و تحلیلی است که ذهن یک نوجوان در یادگیری زبان یا هر ماده درسی دیگر چون ریاضی، هندسه، فیزیک و غیره داراست؛ قدرتی که باعث می شود عمیق تر مطالب را بیاموزد. به همین دلیل است که در آموزش زبان به کودکان روی مطالب گرامری چندان تکیه نمی شود و بیشتر، زبان آموز مطالب را حفظ می کند.

آموزش زبان خارجی به کودکان زیر ۱۲ سال، در بسیاری از کشورها متداول است؛ در کشور ما زبان خارجی در مدارس در سطح متوسطه ارائه می شود. آموزش زبان خارجی به کودکان در بعضی از آموزشگاهها جریان دارد. به همین دلیل خانوادههایی که علاقه دارند کودکانشان زبان خارجی یاد بگیرند. آنها را در کلاسهای زبان آموزشگاهها ثبت نام می کنند؛ کلاسهایی که خاص کودکان بین ۶ تا ۱۲ سال است. در جامعه ای که این کودکان زندگی می کنند زبان خارجی چندان کاربردی برای آنها ندارد ولی مسلماً در آینده، در مراحل مختلف تحصیلی و زندگی شان، این زبان راه گشای بسیاری از مشکلات آنها خواهد بود. در عین حال باید دید کودکی که به کلاس زبان می رود با چه انگیزه ای می تواند یادگیری زبان را ادامه دهد؟ آیا اصلاً انگیزه ای در او مشاهده می شود یا این پدر و مادر هستند که اصرار به آموزش زبان فرزندشان دارند؟ چرا که احتمالاً خواننده یا شنیده اند که آموزش زود هنگام زبان باعث می شود هم کودک تلفظ درستی از واژگان آن زبان پیدا کند و هم بسیاری واژه ها و ترکیبات و ساختارهای زبانی، در این سن، بهتر در حافظه اش ثبت می شود. البته اینکه یادگیری زود هنگام زبان خارجی صد درصد به نفع کودک است فرضیه ای اثبات شده نیست؛ برعکس، در تحقیقاتی که سینگلتن (۲۰۰۱: ۱۱۲) و جانستن (۲۰۰۲: ۸۳) به عمل آوردند به این نتیجه رسیدند که آموزش زود هنگام زبان ممکن است تأثیرات منفی نیز روی زبان آموز داشته باشد. ریچاد جانستن در کتابش تحت عنوان «درباره عوامل سنی جهت آموزش زبان» بر این مسئله تأکید دارد که

گرچه آموزش زبان از سنین کودکی با سهولت بیشتری انجام می پذیرد ولی ذهن کودک فاقد آن قدرت تجزیه و تحلیلی است که ذهن یک نوجوان در یادگیری زبان یا هر ماده درسی دیگر چون ریاضی، هندسه، فیزیک و غیره داراست؛ قدرتی که باعث می شود عمیق تر مطالب را بیاموزد. به همین دلیل است که در آموزش زبان به کودکان روی مطالب گرامری چندان تکیه نمی شود و بیشتر، زبان آموز مطالب را حفظ می کند.

در این مقاله هدف ما بررسی این مسئله است که چگونه می‌توان در آموزش زبان خارجی به کودک به‌طور عام، و به‌ویژه آموزش زبان فرانسه، در عین تقویت قدرت شناختی انگیزه لازم را نیز در کودک به‌وجود آورد؛ چرا که دوران کودکی به خصوص دوره بین ۶ تا ۱۲ سال سن تقویت قدرت شناختی و سن تکوین ساخت شخصیتی در کودک است. پرسش دیگری که پیش می‌آید این است که: آیا اصلاً آموزش زود هنگام زبان می‌تواند در تقویت قدرت شناختی و شکوفایی انگیزه در کودک مؤثر باشد؟ در پاسخ به این سؤالات نخست سؤال دوم را مدنظر قرار می‌دهیم تا ببینیم با توجه به نقش زبان مادری در شکل‌گیری شخصیت کودک و تقویت قدرت شناختی‌اش، آموزش زبان خارجی چه جایگاهی را در این میان می‌تواند کسب کند و سپس به چگونگی آموزش مفید زبان خارجی به کودک، به‌ویژه زبان فرانسه، خواهیم پرداخت.

تقویت قدرت شناختی و شکوفایی انگیزه

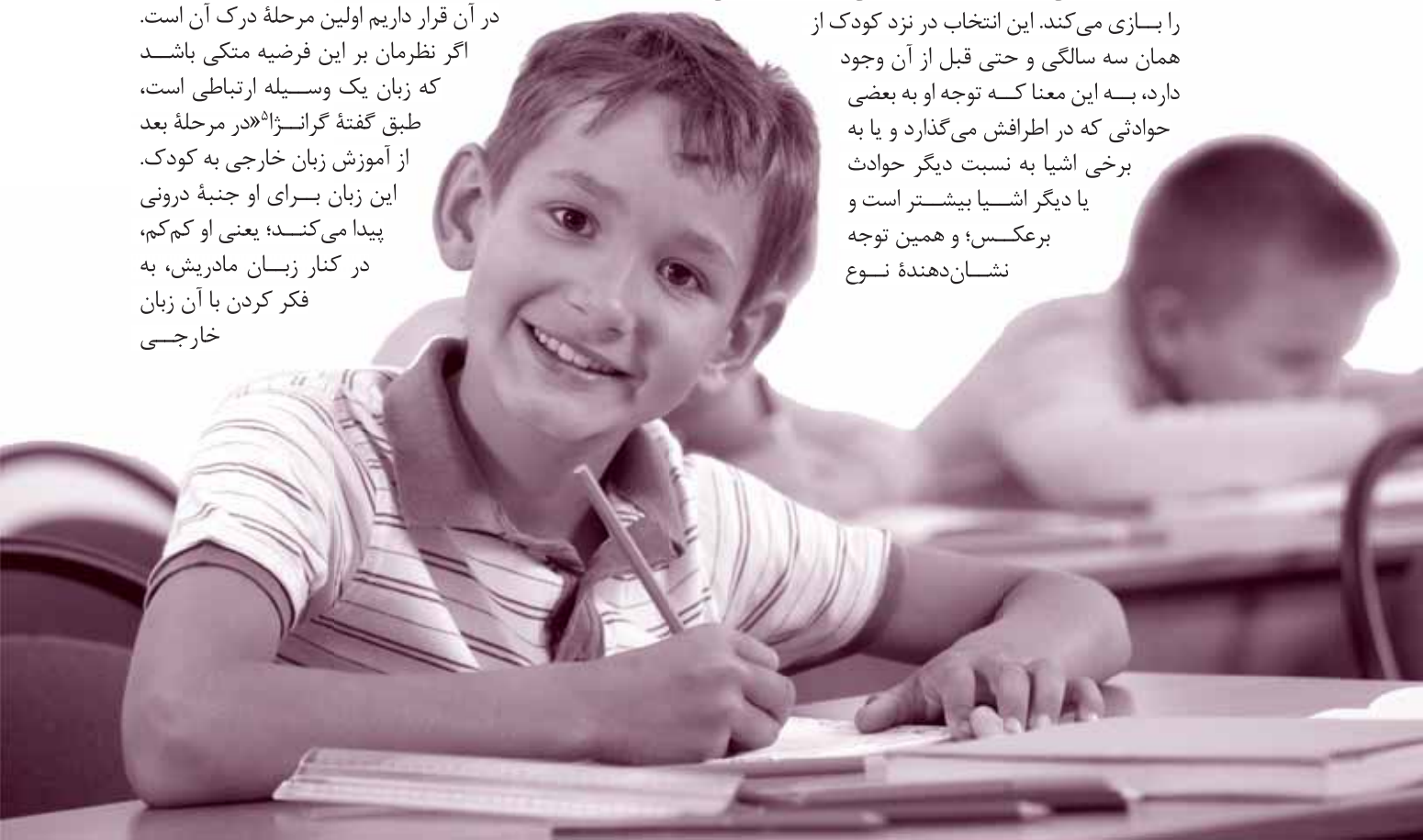
اگر کودک قبل از رسیدن به ۶ سالگی دوره پیش دبستانی را گذرانده باشد قدرت شناختی‌اش زودتر تقویت می‌شود. به همین دلیل است که در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی رفتن کودک به دوره پیش‌دبستانی از ۳ تا ۴ سالگی تقریباً اجباری است. در این دوره، از طریق بازی‌های مختلف قدرت شناختی کودک فعال و از طریق تکرار و آموزش نظام‌مند تقویت می‌شود. طبق گفته چاستین^۲ «آموزش یعنی دریافت، سازمان‌دهی و جمع‌آوری اطلاعات» (۲۳: ۱۹۹۰) و در جمع‌آوری اطلاعات، «انتخاب» کسی که به او آموزش داده می‌شود نقش اساسی

را بازی می‌کند. این انتخاب در نزد کودک از همان سه سالگی و حتی قبل از آن وجود دارد، به این معنا که توجه او به بعضی حوادثی که در اطرافش می‌گذارد و یا به برخی اشیا به نسبت دیگر حوادث یا دیگر اشیا بیشتر است و برعکس؛ و همین توجه نشان‌دهنده نوع

«انتخاب» اوست.

در واقع، این انتخاب، برای کودک، یک مسئله ذهنی است و سبب می‌شود او، از آنچه معلم، کتاب‌ها و ابزار آموزشی به وی می‌آموزند بعضی را انتخاب کند چون بیشتر برایش جالب است. این انتخاب که در هر فردی که آموزش می‌بیند وجود دارد در کودک خیلی قوی‌تر است و نشانه فعال بودن یادگیری اوست. از نظر اونیل^۳ یادگیری یک روند فعال است که در آن هر آنچه از پیش آموخته شده است به اطلاعات جدید، که از طریق معلم یا ابزار آموزشی یاد گرفته می‌شود، اضافه می‌گردد. اراده و انتخاب یادگیرنده در جهت یادگیری و هیجان و انگیزه‌های که در او به‌وجود می‌آید اهمیت خاصی دارد؛ بدین معنی که یادگیرنده، چه از نظر شناختی و چه از نظر عاطفی، فعالانه در یادگیری خود شرکت دارد» (۱۹۲: ۱۹۹۳). این مسئله در مورد همه افراد، چه زن و چه مرد، صدق می‌کند ولی در مورد کودکان به مراتب قوی‌تر است. به همین دلیل است که در آموزش زبان خارجی به کودک در دبستان دو هدف باید مدنظر باشد: تقویت قدرت شناختی و ایجاد انگیزه.

در اینجا باز می‌رسیم به پرسش دوم که یکی از دو مسئله مطرح در مقدمه این مقاله بود. پرسیدیم آیا آموزش زبان خارجی می‌تواند در تقویت توان شناختی کودک و در شکوفایی انگیزه در او مؤثر باشد؟ بی‌شک بله! چرا که اگر کودکی بهترین دوره برای پرورش قدرت شناختی^۴ است مناسب‌ترین دوره نیز جهت یادگیری زبان است. زبان ارتباطی تنگاتنگ با فکر و اندیشه دارد و در آن جست‌وجوی معنی به نسبت موقعیتی که در آن قرار داریم اولین مرحله درک آن است. اگر نظرم‌ان بر این فرضیه متکی باشد که زبان یک وسیله ارتباطی است، طبق گفته گرانز^۵ «در مرحله بعد از آموزش زبان خارجی به کودک، این زبان برای او جنبه درونی پیدا می‌کند؛ یعنی او کم‌کم، در کنار زبان مادری، به فکر کردن با آن زبان خارجی



هم عادت می‌کند. کودک قادر است آموزش‌هایش را تنظیم و ارزیابی کرده و اطلاعات پیشین و جدید خود را همگون سازد» (۲۰۰۱:۱۰۴). در انجام تمرینات زبانی، چه در تولید و چه در دریافت، زبان‌آموز مدام باید از قدرت شناختی و توانایی‌های فکری خود مدد بگیرد، کودکان نیز نه تنها از این امر مستثنا نیستند بلکه در آن‌ها این فعل و انفعالات خیلی سریع‌تر و شدیدتر انجام می‌گیرد تا بتوانند از دانسته‌های خود استفاده کنند، از عوامل زبانی در تمریناتی که انجام می‌دهند بهره بگیرند و آنچه را آموخته‌اند در جمله‌سازی یا انجام تمرینات ساده دیگر به کار گیرند.

کودک قادر است آموزش‌هایش را تنظیم و ارزیابی کرده و اطلاعات پیشین و جدید خود را همگون سازد. در انجام تمرینات زبانی، چه در تولید و چه در دریافت، زبان‌آموز مدام باید از قدرت شناختی و توانایی‌های فکری خود مدد بگیرد، کودکان نیز نه تنها از این امر مستثنا نیستند بلکه در آن‌ها این فعل و انفعالات خیلی سریع‌تر و شدیدتر انجام می‌گیرد تا بتوانند از دانسته‌های خود استفاده کنند، از عوامل زبانی در تمریناتی که انجام می‌دهند بهره بگیرند و آنچه را آموخته‌اند در جمله‌سازی یا انجام تمرینات ساده دیگر به کار گیرند

شاید در نظر اول، فکر کنیم که برای کودکی که هنوز به زبان مادری خودش هم مسلط نیست یادگیری زبانی دیگر بسیار دشوار خواهد بود، چرا که نیاز به تلاشی مضاعف برای به‌کارگیری قدرت شناختی و توانش فکری از جانب اوست. ولی اونیل معتقد است که «یادگیری زبان دوم در کنار زبان مادری باعث تسلط بیشتر کودکان به زبان مادری گشته و مانع از آن می‌شود که او جملات را در ذهن خود ترجمه کند؛ یعنی همان کاری که زبان‌آموزان بزرگسال انجام می‌دهند، بنابراین در آموزش زودهنگام زبان، کودک به خوبی قادر می‌شود در هر لحظه هر یک از دو زبان مادری و زبان خارجی را در ساختار خودشان به کار گیرد بدون آنکه یکی را در دیگری دخالت دهد» (۱۹۹۳:۱۹۹). یادگیری زبان خارجی در کودکی منجر به تقویت قدرت شناختی مضاعف می‌گردد و نه تنها فشاری به ذهن کودک وارد نمی‌کند بلکه در پرورش ذهنی او نیز نقش مثبتی دارد. ذهن او را بازرتر می‌کند و راه شرکت در فعالیت‌های

گروهی و اجتماعی را برایش هموارتر می‌سازد. «آموزش یک زبان خارجی به کودک باعث می‌شود که او با کاربرد دو زبان جایگاه خود را در جامعه باز کند و چیزی را که باید بعداً در زبان دوم خود تجربه کند قبلاً در زبان مادری تجربه کرده باشد» (دالگالیان، ۱۹۹۲:۹۲).

باید دانست که آموزش زبان خارجی به کودکان، بیش از هر آموزش دیگر، نیاز به استراتژی ویژه‌ای دارد که بتواند از پتانسیل‌های لازم در کودک جهت تقویت قدرت شناختی وی بهره‌برداری کند. از جمله این استراتژی‌ها ایجاد انگیزه در کودک است. در این رابطه، متخصصان تعلیم و تربیت درعین آموزش/یادگیری زبان، سخن از ارضای نیازهای کودک به میان می‌آورند که می‌تواند مولد انگیزه لازم و منش مثبت او در برابر زبان خارجی که می‌آموزد باشد. ولی می‌خواهیم بدانیم که این نیازهای کودک و عوامل مولد انگیزه در او کدام‌اند؟ «بازی کردن، آواز خواندن، تکرار کردن - کودکان عاشق تکرار جملات آهنگین هستند - نگاه کردن به تصاویر، گوش کردن به داستان‌های تخیلی» (کوهن، ۱۹۹۱:۵۰) از جمله نیازهای کودک است. دالگالیان معتقد است که نیازهای کودک عبارت‌اند از:

نیاز به بازی: اعم از بازی کردن، آواز خواندن، جست‌وجو کردن، کشف کردن...

نیاز به بیان افکار و اندیشه: چه از طریق حرف زدن یا از طریق حرکات سر، میمیک صورت، نقاشی ...

نیاز به فهمیدن: شامل فهمیدن توانایی خویشتن و فهمیدن واقعیت‌های دنیای اطراف

نیاز به یادگیری: غنی‌سازی اطلاعاتش و کاربرد این اطلاعات در زندگی روزمره (۱۹۹۱:۹۳-۹۴).

شکوفای شدن انگیزه در کودک و تقویت قدرت شناختی‌اش به میزان قابل ملاحظه‌ای به عملکرد معلم و توانایی‌ها و متدلوژی او در آموزش بستگی دارد. رایج‌ترین متدلوژی در آموزش زبان به کودکان روش ارتباطی است، یعنی روش تفکری/شناختی یا روش از مفهوم به قالب، از مدلول به دال. در این روش تمام اولویت به برقراری ارتباط شفاهی داده شده و آن ارتباط شنیداری/گفتاری است. روش‌های قدیمی چون حفظ کردن صرف فعل یا نکات عمده دستوری، در متدلوژی جدید تقریباً مردود است و فقط حفظ کردن شعر و ترانه و جملات آهنگین در آموزش به کودکان توصیه می‌شود آن‌هم با درک مفهوم. از جمله فعالیت‌های آموزشی که معلم باید به آن توجه داشته باشد درک مطلب است، یعنی در ارتباط شفاهی با کودک، دغدغه معلم باید اطمینان او از درک مفهوم جملات از جانب کودک باشد و سپس به تصحیح قالب جمله بپردازد؛ یعنی در آموزش به کودکان، برخلاف سابق، حفظ کردن بدون درک معنا جایگاهی ندارد، در ارتباط شفاهی حتماً باید جملاتی که کاربرد روزمره دارند آموزش داده شود. همچنین نوعی تبادل فرهنگی را می‌توان از همان کودکی به زبان‌آموز آموخت، به‌عنوان مثال در آموزش

زبان فرانسه می‌توان داستان‌های ساده‌ای در مورد نوع زندگی اقوام یا افراد دیگر در چهار گوشه جهان، با نمایش تصویر، برای او تعریف کرد؛ به ویژه آن‌هایی که به آن زبان خارجی، در اروپا یا آفریقا سخن می‌گویند و در واقع آن زبان خارجی زبان مادری آن‌هاست. «کودکان خیلی راحت‌تر از بزرگسالان قادر به درک و پذیرش تفاوت‌ها هستند» (تروکمه- فابر^۱ ۱۹۹۱: ۷۹). و این تفاوت‌ها کنجکاوی آن‌ها را برمی‌انگیزد و در نتیجه انگیزه لازم برای شناخت را در آن‌ها به وجود می‌آورد. همین‌طور کودکان به هنگام یادگیری زبان خارجی، به‌طور ناخودآگاه در عمق ذهن و روان خود به دنبال ابزاری هستند که در مقابله با مشکلات ارتباطی به زبان خارجی و در مواجهه با اصواتی که متفاوت از اصوات کاربردی در زبان مادری است، آن‌ها را یاری دهد. این استراتژی‌ها از جانب کودک زبان‌آموز که به‌طور ناخودآگاه در او فعال است بیانگر دغدغه خاطر اوست جهت یادگیری، دریافت و درک اطلاعاتی که در آموزش به او می‌دهند، و به گفته موتوروی و پروسکی^۲ (۲۰۰۵: ۲۳۶) کودک این اطلاعات را ذخیره کرده در زمان مناسب آن‌ها را در ارتباط کلامی به کار می‌گیرد.

عوامل سنی و آموزش تلفظ صحیح به کودک

در آموزش زبان به کودکان در دوره پیش‌دبستانی، می‌توان از همان روشی که مادر در یاددادن زبان مادری به فرزندش استفاده می‌کند بهره برد. بدین ترتیب که با نشان دادن تصاویر حیوانات یا گل‌ها و سبزیجات نام و رنگ آن‌ها را به او آموخت. این رویه در واقع همان چیزی است که کودک در زبان مادری آن را تجربه کرده است. همچنین مناسب‌ترین دوره برای یادگیری تلفظ خوب و درست یک زبان خارجی همان دوران کودکی است؛ چرا که تمرین آوایی یک زبان با کودکان به مراتب بازدهی بهتری دارد تا با بزرگسالان. کودکان به راحتی آواها را یاد می‌گیرند و آن‌ها را در ذهن خود ثبت می‌کنند «چون دستگاه‌های صوتی‌شان به نسبت بزرگسالان دارای انعطاف بیشتری است و در پذیرش و تنظیم ریتم، آهنگ، لحن و تلفظ اصوات سرعت و تسلط بیشتری دارند» (پورشه و کرو^۱ ۱۹۹۸: ۸۸). در این پذیرش نه تنها دستگاه‌های صوتی بلکه قدرت شنوایی بسیار قوی کودک نیز به او کمک می‌کند که ظرایف صوتی را بهتر دریابد. درحقیقت سنین کودکی امتیاز بزرگی است جهت دریافت صحیح اصوات و گوش کودک در برابر اصوات ضعیف، قوی، سنگین و تیز بسیار حساس است. این حساسیت در کودک تا ده و حداکثر تا دوازده سالگی خیلی زیاد است و پس از آن کم‌کم کاهش می‌یابد. تصحیح تلفظ کودک تا دوازده سالگی به راحتی انجام می‌گیرد ولی پس از آن کمی دشوار می‌شود. در واقع سن بین ده و دوازده دوره‌ای است که کودک وارد نوجوانی می‌شود، لذا هرچه از مرز نوجوانی بگذرد تلاش معلم برای تصحیح تلفظ زبان‌آموز، کمک کردن به

او برای فعال‌سازی دستگاه‌های صوتی‌اش و تشدید حساسیت شنوایی‌اش در برابر واژه‌های خارجی باید بیشتر شود تا او را تبدیل به یک شنونده خوب و دقیق بکند. در این راستا معلم باید دقت زبان‌آموز را به آهنگ واژه‌ها، به تکیه روی برخی حروف و ریتم کلمات جلب کند، چرا که همه این‌ها متفاوت از کاربردهای زبان مادری اوست. به همین دلیل آموزش زود هنگام یک زبان خارجی باعث می‌گردد که در سنین نوجوانی و بعد از آن، فرد به راحتی قادر به تلفظ واژه‌ها و خواندن و درک سریع یک متن به آن زبان باشد، چون هر آنچه در کودکی آموخته در ذهنش برای همیشه ثبت می‌شود. چه در دوره پیش‌دبستانی و چه در دوره دبستان آنچه توجه کودک را جلب و انگیزه یادگیری زبان را در او ایجاد می‌کند بازی‌های آموزشی است که معمولاً به صورت گروهی انجام می‌شود یا آوازهای کودکانه و آهنگین و یا مشاهده فیلم‌های کوتاه و شنیدن داستان‌های کوتاه. خواندن دسته‌جمعی داستان نیز کودک را تشویق به خواندن و تکرار و تلفظ واژه‌ها می‌کند.

کتاب‌های آموزشی زبان خارجی به کودکان، که مرتب به بازار می‌آید، ارائه‌کننده بازی‌های فراوان برای کودکان است از جمله جدول‌های ساده مخصوص کودکان یا جملات آهنگین که حاوی یک معما هستند و زبان‌آموز از روی معنی جمله، معما را پیدا می‌کند.

در مرحله آموزش نوشتاری به کودک، معمولاً نخست با نمایش عکس‌های اشیاء، حیوانات و گل‌های متفاوت، از کودک می‌خواهند نام آن‌ها یا رنگشان را بنویسد و در مراحل بعدی با نشان دادن تصاویر مکان‌ها یا افراد از او می‌خواهند با ساختن جملات کوتاه آنچه را مشاهده می‌نماید توصیف کند. برخی از معلمان علاقه دارند نکات گرامری را نیز به کودکان آموزش دهند، که باید گفت آموزش دستور زبان به کودک زیر نه سال به نحوی که کودک نکات دقیق را متوجه شود دشوار است. به همین دلیل نکات گرامری در سال‌های اول دبستان به صورت چرخشی در جملات مختلف گنجانده شده و مدام تکرار می‌شود به طوری که کودک به گونه ناخودآگاه برخی ساختارهای گرامری را که کاربردی روزمره برایش دارد می‌آموزد. مثلاً کاربرد افعال گذشته یا جملات پرسشی و غیره در ذهن کودک جا می‌گیرد و او به‌طور ناخودآگاه از آن‌ها استفاده می‌کند؛ همچون زبان مادری. سابقاً کودک را وادار به حفظ مطالب گرامری می‌کردند ولی این کار دیگر متداول نیست چون علاوه بر اینکه حفظ کردن بدون درک معنی در هیچ مرحله آموزشی توصیه نمی‌شود، بلکه باعث امتناع کودکان از یادگیری زبان می‌گردد.

ادبیات کودک در کلاس آموزش زبان

ادبیات کودک امروزه یک نوع ادبی مجزا از انواع نوشتارهای دیگر است که توجه و هیجان خواننده را برمی‌انگیزد. پاره‌ای

از نویسندگان معروف فرانسه در ادبیات کودک داستان‌ها نوشته‌اند، که از جمله نویسندگان دوره‌های پیشین می‌توان مارگریت یورسنار، میشل تورنیه، دانیل پناک^{۱۱} و نویسندگان امروزی چون آنا گاولدا، فلورانس سیوو، گیوم لوتوز^{۱۲} و غیره را نام برد. تولیدات ادبیات کودک در جهان بسیار زیاد و گوناگون است و در اکثر آن‌ها دنیای کودکان به تصویر کشیده شده است. ادبیات کودک ادبیاتی است ساده ولی نه سطحی. ادبیاتی است مطابق سلیقه همگان که خود شامل انواع نوشته‌های ادبی است،

از نظر اونیل یادگیری یک روند فعال است که در آن هر آنچه از پیش آموخته شده است به اطلاعات جدید، که از طریق معلم یا ابزار آموزشی یاد گرفته می‌شود، اضافه می‌گردد. اراده و انتخاب یادگیرنده جهت یادگیری و هیجان و انگیزه‌ای که در او به وجود می‌آید اهمیت خاصی دارد؛ بدین معنی که یادگیرنده، چه از نظر شناختی و چه از نظر عاطفی، فعالانه در یادگیری خود شرکت دارد

انسان‌ها، می‌گویند: «آبا و اجداد ما احتمالاً افرادی بودند با رنگ پوست‌های متفاوت و هر یک از آن‌ها رد پای در سلول‌های زندگی ما به جا گذاشته‌اند که به آن‌ها کروموزوم گفته می‌شود». در نهایت راوی به این نتیجه می‌رسد که «همه رنگ‌های پوست زیبا هستند، سوخته، قهوه‌ای، سفید، سیاه، زرد، سرخ، هر کسی می‌تواند به رنگ پوستش افتخار کند» در حقیقت این داستان کودکان را به تعامل با انسان‌های متعلق به نژادهای مختلف و احترام به فرهنگ آن‌ها دعوت می‌کند.

آشنا کردن کودکان با ادبیات چه در زبان مادری و چه در زبان خارجی یکی از راه‌های مثبت آموزشی است که کودک را به خواندن عادت می‌دهد و او را با فرهنگ کتاب (نویسندگان، تصاویر و تابلوها، انتشارات و کتاب‌نویسی) آشنا می‌کند. دبستان مناسب‌ترین فضا برای این فرهنگ‌سازی و آشنا کردن کودکان با ادبیات کودک و نوجوان و آموختن استراتژی‌های لازم جهت خواندن و درک مفهوم یک متن است. در ادبیات کودک کتاب‌های مصور نیز جایگاه خود را دارد، به‌ویژه برای کودکان زیر ده سال. کتاب‌های مصور دارای سه عملکرد اساسی هستند که عبارت‌اند از توصیفی، روایی و زیباشناختی.

- عملکرد توصیفی به زبان آموز کودک و نوجوان این امکان را می‌دهد که فضا و زمان داستان را بشناسد. تصویر به او کمک می‌کند که خود را در فضای داستان احساس کند.
- عملکرد روایی به زبان آموز کمک می‌کند که روند حوادث

را قصه گرفته تا رمان، داستان کوتاه، شعر و قطعات نمایشی. این ادبیات برای سنین متفاوت از کودک زیردبستانی گرفته تا نوجوانان تولید شده است. این ادبیات مثل ادبیات قدیمی کودکان نیست که الزاماً یک نتیجه‌گیری اخلاقی داشته باشد ولی واقعیاتی را که روزمره با آن سروکار داریم مطرح می‌کند، پرسش‌ها و سؤالاتی را به میان می‌کشد که برای بسیاری از ما، از کوچک و بزرگ، مطرح است. تا سال‌های ۱۹۸۰ داستان‌های کودکان عموماً تصویرگر یک خانواده نمونه بود که در آن بچه‌ها نیز نمونه و قهرمان بودند. ولی امروزه جنبه اخلاقی و آموزندگی ادبیات جای خود را به بازگو کردن بی‌ثباتی زندگی، مسائل مهاجرتی و بینافرهنگی داده است. کتاب‌های آموزش زبان از همان کودکی زبان آموز را به تحولات زندگی قرن ۲۱ آشنا می‌کنند. به‌عنوان مثال از جمله کتاب‌های داستانی برای آموزش زبان به کودکان که در ۱۹۹۴ به چاپ رسید و کاربرد نسبتاً زیادی در آموزش زبان خارجی به کودکان دارد کتابی است تحت عنوان «دوستان من از رنگ‌های مختلف» اثر کاترین دولتو^{۱۳} که توصیف‌گر موقعیت کنونی در کشورهای مختلف است به‌خصوص کشورهایایی که پذیرای مهاجرین هستند. در بخشی از کتاب راوی می‌گوید: «در حال حاضر من از همه ملیت‌ها با رنگ پوست‌های متفاوت هم کلاسی دارم» و سپس با بهره گرفتن از اطلاعات قوم‌شناسی، جغرافیایی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی و ژنتیک برای توجیه رنگ پوست‌های مختلف در

را بهتر درک کند. گاهی تصاویر اطلاعاتی را، بیش از آنچه روایت داستان به زبان آموز می‌آموزد، در اختیار او می‌گذارد؛ به‌خصوص اطلاعات فرهنگی را. همچنین اگر زبان آموز مفهوم واژه‌های را درک نکند تصویر به او کمک می‌کند که این مفهوم را دریابد.

- عملکرد زیباشناختی نیز ذوق زیباشناسی زبان آموز را پرورش می‌دهد. تصاویر با رنگ و نقاشی‌هایی که در آن‌ها به کار می‌رود در نوع خود یک خلاقیت هنری‌اند و برای زبان آموز چشم‌نوازند. در انتخاب کتاب‌های مصور برای دوره دبستان بهتر است که مدرس نه



کتاب‌هایی با تصاویر خیلی بچگانه انتخاب کند و نه کتاب‌هایی با تصاویر و محتوی سنگین.

رنه‌لئون^{۱۴} در کتابش تحت‌عنوان ادبیات کودک در دبستان. چرا؟ و چگونه؟ (۲۰۰۴:۵۸) می‌نویسد: در مصاحبه‌ای که درباره داستان‌های مورد علاقه کودکان با تعداد زیادی از آن‌ها به عمل آمده اکثر این کودکان طالب داستان‌هایی هستند که قهرمانان آن‌ها در موقعیت‌های مضحکی قرار بگیرند، یا قهرمان داستان برای آن‌ها شناخته شده باشد؛ یعنی مثلاً قهرمان یکی از سریال‌های تلویزیونی مخصوص کودکان باشد، همچنین کودکان به بازی وازه‌ها در نام قهرمانان یا عنوان داستان علاقه زیادی دارند.

به‌طور کلی، در آموزش زبان خارجی در دوره دبستان، گرایش دادن کودکان به سوی ادبیات کودک، توسط بسیاری از متخصصان آموزش و پرورش توصیه شده است و در انتخاب این ادبیات، مدرس نقش مهمی را ایفا می‌کند.

بزرگ‌سالی می‌آموزد. این مطلب می‌تواند موضوع بحث مقاله‌های دیگر قرار بگیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Singleton
2. Chastain
3. O'neil
۴. روان‌شناسان آمریکایی معتقدند که کودک در بین صفر تا شش سالگی به ۸۰٪ پتانسیل اندیشه و تفکر خود دست می‌یابد و ۲۰ درصد بقیه به تدریج تقویت پیدا می‌کند.
5. Grangeat
6. Dalgalian
7. Cohen
8. Trocme-Fabre
9. Moutzouri & Proscolli
10. Porcher & Croux
11. Marguerite Yourcenar, Michel Tournier, Daniel Pennac
12. Anna Gavalda, Florence Seyvos, Guillaume Le Touze
13. Quatraine DOLTO, 1994, *Des amis de toutes les couleurs*, Paris, Gallimard
14. René LEON, 2004, *La littérature de Jeunesse. Pourquoi Et comment*

منابع

- CHASTAIN, K. 1990, « La théorie cognitive de l'apprentissage et son influence sur l'apprentissage et l'enseignement des langues secondes », *Etudes de linguistique appliquée*, N°77, pp. 21-27.
- COHEN, R. 1991, « Apprendre le plus jeune possible » *Le français dans le monde: Recherches et Applications*, Apprentissage/Enseignements précoces des langues (août-septembre) pp. 48-56.
- DALGALIAN, G. 1991, « De la transdisciplinarité dans l'enseignement précoce d'une langue » *Le français dans le monde*, Recherches et Applications, Enseignements/ Apprentissages précoces des langues (août-septembre) pp.: 91-94.
- DOLTO, Q., 1994, *Des amis de toutes les couleurs*, Paris, Gallimard
- GRANGEAT, M., 2001, « Lev. S. Vygotsky (1896-1934). L'apprentissage par le groupe » in RUANO BOURBALAN J-CI. (coord), *Eduquer et Former, les connaissances et les débats en éducation et en formation*, Auxerre, éd. Sciences Humaines, pp. 103-105
- JOHNSTON, R. 2002, *A propos du « facteur de l'âge », quelques implications pour les politiques linguistiques*, Conseil de l'Europe, Division des politiques linguistiques, Etude de référence
- LEON, R., 2004, *La littérature de Jeunesse. Pourquoi ? Et Comment ?* Paris, Hachette
- MOUTZOURI, E. & PROSCOLLI, A. 2005, « Comment établir le rapport entre objectifs pédagogiques et auto-évaluation ? » Librairie électronique d'Athènes, www.lea-books.gr, cité par Maro Patéli (2007) « L'enseignement de la phonétique au primaire » in Actes du colloque *Enseigner le français langue étrangère à l'école primaire: méthodes et pratiques*, Athènes.
- O'NEIL Ch., 1993, *Les enfants et l'enseignement des langues étrangères*, Paris, Hatier/Didier, (LAL).
- PORCHER, L. & CROUX, D., 1998, *L'apprentissage précoce des langues*, Paris, PUF, « Que sais-je »
- SINGLETON, D. 2001, "Age and second language acquisition" Annual Review of Applied linguistics, 21, 77-89
- TROCME-FABRE, H. 1991, « J'apprends donc je suis » in *Le français dans le monde, Recherches et Applications*, Enseignements/Apprentissages précoces des langues (août-septembre) pp. 71-79.

نتیجه‌گیری

فقدان انگیزه اجتماعی - شغلی و همچنین نبود نیازهای لازم برای کاربرد زبان خارجی در فعالیتهای روزمره باعث می‌گردد که کودکان انگیزه طولانی مدت برای یادگیری یک زبان خارجی نداشته باشند غافل از اینکه تا چه حد این آموزش در آینده برای آن‌ها مفید خواهد بود، چرا که هر آنچه در کودکی آموخته می‌شود، از جمله تلفظ درست وازه‌های متعلق به زبانی غیر از زبان مادری و به کارگیری صحیح ساختارهای زبانی، برای همیشه در ذهن کودک ثبت می‌شود. برخلاف بزرگسالان زبان آموز که در تولید جملات به زبان خارجی آن‌ها را در ذهن خود از زبان مادری ترجمه می‌کنند، تولید ساختارهای زبانی در کودک به صورت مستقل از زبان مادری صورت می‌گیرد و همین باعث می‌شود که کودک به تدریج به زبان خارجی که آموخته است تسلط کامل پیدا کند. ولی در این میان نحوه آموزش زبان به کودکان در دوره‌های پیش‌دبستانی و دبستانی نیاز به استراتژی‌های ویژه دارد تا قدرت شناختی آن‌ها را به‌طور صحیح تقویت کند و انگیزه لازم را در آن‌ها به‌وجود آورد. آموزش وازه‌های سنگین و وادار کردن آن‌ها به حفظ نکات دستوری ممکن است آن‌ها را از یادگیری زبان فراری دهد و این عکس‌العمل منفی اولیه می‌تواند برای همیشه در آن‌ها اثرگذار باشد. پس معلمان باید در نحوه آموزش خود، روشی را که برای سنین مختلف به کار می‌برند و ابزاری را که در آموزش زبان خارجی استفاده می‌کنند خوب مدنظر داشته باشند. به‌علاوه بسیاری از متخصصان آموزش زبان خارجی به کودکان، معتقدند که یادگیری حداقل یک زبان خارجی در کودکی می‌تواند بعدها راهگشای شخص در یادگیری زبان‌های خارجی دیگر باشد و آموختن زبان دوم یا سوم خارجی برای او سهولت بیشتری داشته باشد تا فردی که زبان اول خارجی را در